

محمد واعظ زاده خراسانی

آیه الایات فرقانی

اولین کشف الایات

از شهاب الدین احمد بن محمد مدون نیشابوری

نقش قرآن در تکوین علوم

قرآن کریم، نه تنها چراغی روشن و مشعلی فروزان، جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی است و از این راه به تربیت نفوس و گسترش فضائل اخلاقی و بطور کلی بسط اعمال صالحه و خیرات، بطور خارق العاده ای مؤثر بوده و هست بلکه این کتاب جاویدان، در طول تاریخ خود مبدع تحول و نهضت علمی بی سابقه و سبب پیدایش رشته های مختلف علوم، گردیده است تا حدی که باید گفت: بجز علوم دخیل (علوم اوائل) که مسلمانان، از ملل پیش از خود و یا ملتهای مجاور، اقتباس کرده اند، سایر علوم و دانشهای اسلامی اعم از تاریخ و علوم ادبی و شرعی و عقائد، همه بلا واسطه یا مع الواسطه، مقتبس و یا منبعث از قرآن است.

گو این که بشهادت تاریخ علم، در اسلام، توجه و عنایت مسلمین به علوم بیگانه، و حرص و ولع ایشان، در اکتساب و نشر و تحقیق و توسعه آن علوم نیز، ناشی و منبعث از قرآن بوده است که بطور نامحدود و بیدریغ، مردم را پی در پی به تعقل و تفکر در آثار خلقت و کنجکاوی از اسرار کون و تدبیر و تفقه در امور، ترغیب و تحریص نموده است.

علامه شیخ محمود شلتوت در مقدمه تفسیر خود^۱ طی بیان مبسوطی اظهار میدارد: «تا کنون سابقه ندارد هیچ کتابی تا این حد مورد عنایت پیروان خود قرار گیرد و تا این درجه در بروز و ظهور روی ریزی علوم و فنون مؤثر گردد... علوم منبث از قرآن، دو قسم است: یک قسم، علومی که مائل آن، مستقیماً مأخوذ از قرآن و مبین مطالب آن است: مانند علم فقه، تفسیر، عقاید، کلام... دوم علومیکه در راه خدمت بقرآن پدید آمده از قبیل علوم ادبی عموماً (صرف، نحو، لغت، معانی، بیان، بدیع... و پس از شرح خدمات مسلمین در این باب میگویند: مسلمانان از هر صنف و هر طبقه بنوبت خود تا حد امکان، از راه هنر و دانش خویش بقرآن خدمت کرده‌اند: عده‌ای قرآن را بخط خوش و زیبا نوشتند و حتی برای این منظور، بابتکار خط و تعلیم و تعلم آن دست زدند بعضی با تجلید و تذهیب و تزیین قرآن، برخی با ساختن کاغذهای گرانبها و تهیه مرکب و قلم و نحو این امور، مراتب اخلاص و صدق عقیدت خود را باین کتاب مقدس ابراز داشته‌اند و از راههای گوناگون، در بزرگداشت و تعظیم آن کوشیده‌اند و از این رهگذرها، پارهای از هنرهای زیبا و صنایع ظریفه را پدید آورده‌اند...»

رتال جامع علوم انسانی

علوم قرآنی

یک دسته از علوم منبث از قرآن، دانشهایی است که مستقیماً پیرامون قرآن بحث میکنند و اصطلاحاً بنام «علوم قرآنی» شهرت یافته‌است. بطور اجمال، این علوم، راجع بتاریخ نزول، ترتیب نزول، تعداد سوره و آیات، تفاسیر، معانی، مرکبات، مفردات، رسم الخط، قرائت، تجوید، نامهای قرآن و سوره، محکم و

۱- این تفسیر، در مجله رساله الاسلام تدریجاً منتشر میگردد و آنچه در اینجا نقل کردیم، خلاصه و اقتباس از گفتار شلتوت در شماره اول سال اول آن مجله است.

متشابه، ناسخ و منسوخ، قصص، اعلام، امثال، رموز و مجازات قرآن و نحو این مسائل، گفتگو میکند.

علوم قرآنی، از قرون اولیه اسلام در بین سایر علوم اسلامی، مقام و منزلتی عالی و ارجمند داشته و بهمین عنوان، جای خود را در صف علوم، باز کرده است.

ابوالفرّاج محمد بن اسحاق الندیم معروف به ابن الندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ احتمالاً) در کتاب نفیس «الفهرست» که بنا بر تصریح مکرر مؤلف در سال ۳۷۷ به تألیف آن اشتغال داشته است در فن سوم از مقاله اولی تحت عنوان «الفن الثالث من المقالة الاولى من کتاب الفهرست فی اخبار العلماء و اسماء کتبهم، و یحتوی هذا الفن علی نعت الکتاب الذی لآیاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید و اسماء الکتب المؤلفه فیهِ و اخبار القراء السبعة و غیرهم و مصنفاتهم»^۲ موضوعات گوناگون وابسته بقرآن را مورد بحث قرار داده که میتوان مجموع آنها را تحت بیست عنوان مستقل درآورد و روی هم رفته حدود ۳۰۰ کتاب در رشته‌های مختلف علوم قرآنی را نام میبرد و طبعاً این کتب، آثاری است که بنظر ابن ندیم رسیده یا از آنها اطلاع یافته است.

علامه سیوطی، ابوالفضل جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر الشافعی (متوفی ۹۱۰ هـ) در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» که جامعترین کتاب در این باب میباشد پس از اینکه در مقدمه کتاب، چند اثر از آثار متقدمان و معاصران خود را راجع به علوم قرآنی نام میبرد و شمه‌ای در وصف هر یک و حتی راجع به ابواب و انواع مباحث برخی از آن کتب گفتگو مینماید، کتاب خود را طی ۸۰ نوع علم، فهرست مینماید و بعلاوه تعداد بسیاری از کتب مؤلفه در رشته‌های مختلف علوم قرآنی را نام

میبرد. سیوطی در اثنا، مباحث کتاب گاهی دیباچه و فصلی از کتب مربوط به بحث را بعین عبارت، نقل کرده است و از این حیث، بر فوائد کتاب خود افزوده است.

علامه سیوطی در بین متأخران، به حسن تالیف و جودت قریحه معروف است و تا حدود ۵۰۰ کتاب و رساله در فنون مختلف، بوی نسبت داده اند از جمله کتابی در طبقات المفسرین به رشته تحریر در آورده است که با همه اختصار در موضوع خود، بسیار معتبر است.

بدیهی است سیوطی مانند ابن ندیم تنها آثار و مؤلفات و رشته های علوم قرآنی که تا زمان او پدید آمده بوده و بوی از آنها آگهی یافته است متعرض میشود و چه بسا آثاری وجود داشته که وی دسترسی بآنها نداشته است. کما اینکه از آن زمان تا کنون، علوم قرآنی، سیر تکاملی خود را ادامه داده و آثاری ارزنده نه تنها در آن رشته ها تدوین گردیده بلکه رشته های تازه ای بهمت دانشمندان پراکنده در کشورهای اسلامی، و بلکه در یکی دو قرن اخیر، بوسیله شرق شناسان با عرصه وجود گذارده که پیشینیان، از آن، آگاهی نداشته اند و اگر هم آگاهی داشته اند و تالیف و تصنیفی در آن باب جای گذارده اند پیش از رواج و انتشار کامل، از بین رفته و بر دانشمندی متتبع و کنجکاو، چون علامه سیوطی پنهان مانده است.

فن کشف الایات

یکی از علوم قرآنی، که ظاهراً پیشینیان از آن، بی خبر بوده اند، فن کشف الایات نویسی است. غرض اصلی از این علم، همانطور که از نامش پیداست آنست که انسان، بدون رحمت استغرا، همه آیات قرآن از اول تا با آخر و بدون صرف وقت موسعی در این کار، باسانی و در اسرع وقت، آیه یا آیات مورد نظر خود را در قرآن بیابد. زیرا یافتن یک آیه در بین متجاوز از شش هزار

آیه قرآن، آنهم با کثرت نظائر و اشباه، در آیات، حتی برای حفاظ قرآن، کار آسان و زود انجामी نیست و چه‌بسا چندساعت وقت گرانبهای دانشمند و گوینده یا نویسنده‌ای را میگیرد.

از طرفی، احتیاج مبرم بدانستن متن صحیح آیات، با رعایت احتیاط و دقت کافی در ضبط آنها و بلکه معرفت بمضمون آیات سابق یا لاحق آیه مورد نظر، برای کلیه کسانی که با موضوعات و مسائل قرآنی و اسلامی سروکار دارند امری بدیهی است.

بعلاوه، اقتباس از کلام خداوند در نشر و نظم و خطابه، و نیز استشهاد به قرآن، در سخن و نوشته میان مسلمانان اعم از عرب و عجم رایج بوده و خود، بمنزله نمک طعام و چاشنی سخن بشمار میرفته است. و همین جهات، ضرورت چنین علمی را باعث شده و این ابتکار شایسته، مانند توجه به سایر علوم قرآنی خود حاکی از شدت اهتمام مسلمانان به قرآن و ضبط صحیح آیات آن میباشد. گرچه غرض اصلی از این فن، دست یافتن به آیات قرآن بوده اما تدریجاً و یا از همان آغاز، بطور ضمنی، دانشمندان، هدف خود را بسط داده و کلیدی برای یافتن کلمات و حتی مطالب قرآن بدست داده‌اند و همانطور که فرهنگها و لغتنامه‌ها با اسلوبهای مختلف تحریر و تنظیم شده و هر کس، به سلیقه خود روش خاصی را اتخاذ و ابتکار نموده و بهمان کیفیت که فن لغتنامه به نوشتن دائرة المعارفهای بزرگ منتهی گردیده همچنین، کشف‌الایات نویسی در سیر خود، تفنن بسیار دیده و سرانجام، به تدوین کشف‌المطالب و دسته‌بندی آیات قرآن از لحاظ موضوع، در کتابی بنام «تفصیل آیات القرآن الحکیم» آنهم بهمت دانشمندی از غیر مسلمین^۳، منجر گردید.

۳- ذول لایوم فرانسوی اصل کتاب را نوشته و بعداً محمدفؤاد عبدالباقی آن را به عربی ترجمه نمود و بجای ترجمه، عین آیات را ذکر و علاوه مستدرکی بر آن اضافه کرد و اخیراً همان کتاب بضمیمه ترجمه فارسی در ایران انتشار یافته است.

کشف‌الایاتهای موجود، غالباً علاوه بر اینکه وسیله یافتن آیات میباشد، راهنمای جستن کلمات نیز هست و تقریباً کشف‌الایات، و کشف‌الکلمات، لازم و ملزوم و دارای مصداق واحد است لیکن پاره‌ای از کشف‌الایاتهای متأخر، علاوه بر این، راهنمای چند تفسیر از تفاسیر معروف و مهم نیز میباشد. تاریخ تطور این علم، خود بحثی جداگانه و خارج از غرض فعلی ماست. نگارنده یادداشت‌هایی در این خصوص، تهیه کرده و امید است در آینده بصورت کتاب یا رساله‌ای منتشر شود.

قدر معلوم آنست که در فهرستهای قدما، و آثار سلف، مانند فهرست ابن ندیم اثری از این علم، مشهود نیست. علامه سیوطی هم در «الاتقان فی علوم القرآن» و همچنین حاجی خلیفه (۱۰۰۴ - ۱۰۶۸) در اثر گرانبهای خود «کشف الظنون» کتابی راجع باین فن، معرفی نکرده‌اند و ظاهراً بکلی از این رشته علم بی‌خبر بوده‌اند و تنها در «ذیل کشف‌الظنون» و «الذریعه» و «معجم المؤلفین» و برخی مأخذ متأخر دیگر، اسمی از «کشف‌الایات» برده شده و بیش از همه در «الذریعه» کتب این فن، معرفی گردیده است.

تا آنجا که اینجانب، طی محصل و تتبع نسبتاً عمیق، اطلاع یافته‌است قدیم‌ترین اثر در این باب، کتاب «آیه‌الایات فرقانی» متعلق بقرن نهم است که اینک در این مقال در صدد بحث از آن هستیم.

قبل از اطلاع از این کتاب، اینجانب تصور میکرد قدیم‌ترین اثر در این باره کتاب «کشف‌الایات» نوشته محمد رضا بن عبدالحسین نصیری طوسی است که چند سال قبل، نسخه خطی نفیسی از آن، در تملک بنده قرار گرفت و همان نسخه مرا به تحقیق درباره آن کتاب و مؤلف آن، و بطور کلی راجع بخاندان نصیری طوسی و تطور و سیر این علم، وادار نمود و بعد از تحقیق، معلوم شد نسخ متعددی در کتابخانه‌ها از جمله چهار نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی از این کتاب

وجود دارد. و چنین گمان می‌رود که «کشف‌الایات نصیری طوسی» برخلاف «آیه‌الایات فرقانی» پس از تألیف، بلافاصله رواج یافته و نسخ متعددی از آن، در دسترس ارباب فضل قرار گرفته‌است.

این کتاب، تقریباً دو قرن بعد از «آیه‌الایات» تألیف گردیده و مؤلف، تاریخ تحریر آن را در دیباچه چنین آورده‌است:

نام این نسخه و سال تاریخ «کشف‌الایات کلام‌قدس» است

که برابر سال ۱۰۹۹ است گویانکه بعضی سنه تألیف آن را ۱۰۶۷ تعیین کرده‌اند و این تاریخ، با «کشف آیات» بدون «ال» و محاسبه «آ» را یک عدد درست درمی‌آید و اینجانب مقاله مفصلی راجع به آن کتاب در دست تألیف دارم.

بهر حال، با وجود «آیه‌الایات» باید اذعان کرد باینکه مؤلف آن کتاب که او نیز، از دانشمندان خراسان و مشوبه «نیشابور» و ساکن «هرات» بوده، گوی سبقت را از نصیری طوسی ربوده و تا وقتی ثابت نشود که دیگری بر وی در این رشته تقدم داشته‌است باید «آیه‌الایات» را بطور مطلق، نخستین اثر و مبداء پیدایش این فن دانست. مع الوصف، ظاهراً افتخار اصطلاح «کشف‌الایات» را باید از آن نصیری طوسی بدانیم چه اینکه قبل از او کتابی باین نام نبوده و این علم هم گرچه پیش از آن، بوسیله «آیه‌الایات» قدم بعرضه وجود گذارده اما عنوان «کشف‌الایات» را پس از کشف‌الایات نصیری طوسی بخود گرفته‌است.

نصیری طوسی در دیباچه «کشف‌الایات» نامی از «آیه‌الایات» یا اثر دیگری نبرده و باینکه با نهایت وجد و شغف، از تألیف خود توصیف و تحسین بسیار نموده، صریحاً خود را مبتکر این فن، معرفی نکرده‌است. و حقیقت امر آنست که با همه دقت در «کشف‌الایات نصیری» بر بنده معلوم نشد که آیا مؤلف از «آیه‌الایات» یا کتاب دیگری در این خصوص، اطلاع داشته یا خیر؟ در حالیکه مؤلف «آیه‌الایات» و همچنین ملاحسین کاشفی نویسندة مقدمه این کتاب بشرحی که خواهیم دانست آن را اولین اثر و ابتکار در این فن دانسته‌اند و

اتفاقاً این دو دانشمند و همچنین عبدالرحمن جامی که بر آن، تقریظ نوشته این رشته را یکی از «علوم قرآنی» و طلیعه‌دانشی جدید معرفی کرده‌اند. با توجه باین سابقه، باید اعتراف کرد باینکه این علم، نوظهور و مستحدث است و بیش از پنج قرن، از تکون آن، نمیگذرد و اگر با احتمال بعید، در قرون سالفه تألیفی در این باب بوجود آمده، آنقدر شیوع نیافته که ارباب دانش و ترجمه‌نویسان و مؤلفان فهرستها، بر آن دست یابند بلکه در حال تکون و حین انعقاد نطفه، نابود و یا مهجور گردیده است.

در اینجا تذکار این حقیقت هم بی‌مورد نیست که قبل از اطلاع از این دو کتاب، و تحقیق در تحول و سیر این علم، بدون جهت و صرفاً باستناد مسموعات، مرتکز بنده آن بود که مبتکر «کشف‌الایات» گوستاو فلوگل آلمانی است و با تأسف آمیخته با افتخار، این ابتکار را (که تصور میکرد حاکی از کنجکاوی و دقت بیگانگان حتی در مهمترین مسائل اسلامی یعنی قرآن مجید، و عدم توجه بآن، منبعث از بی‌اعتنائی مسلمین بکتاب آسمانی خودشان است) از آن دانشمند نامبرده میدانست.

با دست یافتن باین دو کتاب، معلوم شد که مسلمانان خود، چند قرن پیش از فلوگل در این خصوص، کتابهای مفصل بضمامت خود قرآن، نوشته‌اند و بدان وسیله حسن ابتکار و مزید اهتمام خود را نسبت بقرآن ابراز داشته‌اند. علاوه بر این پس از بررسی مقدمه «کشف‌الایات فلوگل» راز دیگری کشف شد و آن، اینک فلوگل از کتابی بنام «نجوم الفرقان» چاپ کلکته (که بعداً مورد مطالعه بنده قرار گرفت) نام میبرد و آن را کافی برای یافتن آیات، ندانسته و لهذا خود، به تنظیم «کشف‌الایات» دست زده است و بعداً «کشف‌الایات فلوگل» عیناً و گاهی با تغییراتی همراه قرآن، مکرراً چاپ شده و چنان توهمی را بوجود آورده است. نام «کشف‌الایات» که گفتیم میراث نصیری طوسی است و بطور کلی این

رشته‌علم، از قرآن تجاوز کرده و کسانی برای دیوانهای شعر، «کشف‌الایات» درست کرده‌اند. و اخیراً کتابهایی بنامهای «کاشف نهج‌البلاغه»، «مفتاح کنوز السنة»، «المعجم الفهرست للحديث النبوی» و جز آنها جهت دست‌یافتن به‌خطب و روایات، ظاهراً به‌تقلید از «کشف‌الایاتها» تألیف گردیده‌است که شرح هر کدام فرصت کافی لازم دارد.

معرفی آیه‌الایات فرقانی

چندسال قبل، جناب آقای ایرج افشار در مجله راهنمای کتاب (سال چهارم، شماره اول) جزء کتب خطی کمیاب شوروی که در سفر بآن سامان، بنظر ایشان رسیده بود، این کتاب را طی سظوری معرفی کرده بودند و بنده که جویای اطلاعات، در این خصوص بود توسط دانشگاه مشهد، عکس آن نسخه را تهیه کرد و آنچه در اینجا نوشته میشود از روی آن نسخه عکسی است.

اجمال مطلب، آنکه دانشمندی بنام شهاب‌الدین احمد مدون نیشابوری ساکن «هرات» در دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا (۸۷۳ - ۹۰۶) پس از سالها تحمل رنج و زحمت، موفق بابتکار فنی میشود بصورت کتاب مورد بحث. وی که معاصر عارف و دانشمند نامی عبدالرحمن جامی (۸۱۷ - ۸۹۸) و ظاهراً از ارادتمندان وی و همچنین معاصر دانشمند مشهور دیگر آن عصر ملاحسین کاشفی و اعظم سبزواری (متوفی حدود ۹۱۰ هـ ق) مؤلف «تفسیر حسینی» و آثار ارزنده دیگر بوده‌است، کتاب خود را بنظر جامی رسانیده و او طی تقریظ کوتاهی عمل وی را ستوده و بر آن صحنه نهاده‌است. و سپس آن را بعرض پادشاه دانش‌پرور عصر سلطان حسین بایقرا رسانده و مورد قبول و مسرت خاطر وی قرار گرفته‌است و ظاهراً به اشاره آن پادشاه، کاشفی که خود، متخصص علوم قرآنی است مقدمه مسوطی بر این کتاب نوشته و طی آن مقدمه، آنچه بدان اشاره شد بتفصیل بازگفته‌است.

وی بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیغمبر و اشاره به سابقه و تحول علوم

قرآنی، برسم مؤلفان آن اعصار، قسمتی از دیباچه را با نظم و نثر بمدح پادشاه، اختصاص داده و آنگاه مؤلف «آیه الایات» را با تجلیل نام برده و از ابتکار ارزنده وی تقدیر مینماید و اظهار میدارد که پس از اینکه آن را از نظر همه فضلاء و دانشمندان گذرانیده، بالاخره، بنظر مولانا عبدالرحمن جامی رسانیده است و تقریظ جامی را نقل میکند. و بعداً عین خطبه و مقدمه عربی و دیباچه فارسی مؤلف را آورده، و آن قسمت از دیباچه را که مشتمل بر رموز و ترتیب و اصطلاحات کتاب است، شرح نموده است کاشفی، این شرح و مقدمه را بنا بظاهر عبارت، بامر سلطان حسین بایقرا بلحاظ ابهام و غموض مقدمه مؤلف، نوشته است. باین کیفیت که يك یا چند جمله از سخن مؤلف را ذکر کرده و با امثله و شواهد و ارائه نمونه‌ای از جداول متن کتاب، آن را توضیح داده است و سخن مؤلف را با رمز «م» و سخن خود را با رمز «ش» مشخص نموده است.

مقدمه عربی مؤلف، پس از حمد و ثناء الهی و درود بر پیغمبر و یارانش، علت و کیفیت آغاز این اثر را شرح داده و از مطالعه آن، بدست می‌آید که بیچاره چه زحمتی بخود داده است و طی یازده سال ۲۶ بار آنچه بقول خود او در نتیجه تضرع و خضوع و خشوع بکدرگاه باری تعالی، بخاطرش رسیده بوده روی کاغذ آورده و دوباره بواسطه برخورد بنقص نوشته خود، آن را پاره کرده و کار را از سر گرفته است.

دیباچه فارسی مؤلف، مشتمل بر مقدمه و اصل و خاتمه‌ای است که کاشفی مقدمه را بدون شرح، عیناً نقل کرده است و خلاصه آن، اینکه خداوند، در قرآن وعده حفظ آن کتاب را داده و بدین جهت، رعایت نظم و ترتیب و ضبط کلمات آن، از فرائض است و بهمین جهت، نیز ائمه دین، از صدر اسلام، قرائت و کتابت قرآن را مجرد از زوائد و تخریکات به طلبه علم، تعلیم داده‌اند و نظر باینکه آیات قرآن، در کتب مختلف علوم اسلامی، مورد استشهاد و اقتباس می‌باشد، و

غالباً بعد از ثبت يك یا دو کلمه از آیات، بلفظ (الایة) اکتفا مینمایند و حتماً تمام آیات، بخاطر خوانندگان نیست و ناچار هستند که یا از قرآن تمام آیه‌ها بیابند و یا از حافظ ثقه استماع نمایند و طریق اول اولی است زیرا در اینصورت انسان از رجوع بغير مستغنی است و این مزیت علاوه بر جنبه اخلاقی آن، آدمی را از بلا تکلیفی و معطلی هنگام عدم دسترسی بغير نجات میدهد. پس، این قواعد و ضوابط برای تسهیل این منظور مرتب شده است.

و بدان وسیله میتوان معلوم داشت که آیه و حتی کلمه‌ای از آیه مورد نظر در قرآن، متعدد است یا منفرد؟ و اگر منفرد است در کجا است؟ و اگر متعدد است چندبار تکرار شده؟ و هر کدام، در کدام سوره و کدام عشر از اعشار سوره واقع است مؤلف، پس از مقدمه، تحت عنوان «اصل» بطور اجمال، به ترتیب و رهوز کتاب اشاره نموده و کاشفی فقرات آن را شرح کرده است و در «خاتمه» همین امور، بتفصیل در متن مؤلف و شرح کاشفی، تکرار گردیده است.

قواعد و رهوز کتاب، بقدری پیچیده و بفرنج تنظیم شده که با همه سعی بلیغ مؤلف و شارح در توضیح و شرح آنها، باز هم بسیار مبهم و مجمل است و بنده پس از چندبار مطالعه و دقت، بزحمت کلید فهم آن را بدست آوردم و شاید روش نگارش آن دو دانشمند، که برایش معمولاً زمان، مشحون از تکلف است در این امر، بی‌دخالت نباشد و پس از مقایسه آن کتاب، با کشف‌الایاتهای اخیر، مخصوصاً «المرشد» و «المعجم الفهرست» روشن میشود که «تفاوت ره از کجا است تا بکجا» و «معما چو حل گشت آسان شود» و البته ابتکار و عمل مؤلف «آیه‌الایات» شایان تقدیر و تجلیل است و هر کاری در آغاز، خام و ناپخته و دارای نقیصه است و تدریجاً کامل و عاری از نقص میگردد اما حق تقدم، محفوظ است همچنانکه ابن مالک در باره ابن معط و الفیء او میگوید:

و هو بسبق حائرٌ تنضیلاً مستوجبٌ ثنائی الجمیلاً

طبعاً این کتاب با این خصوصیت، فعلاً قابل استفاده و یا انتشار نیست لیکن مقدمه آن، که يك متن فارسی متعلق بقرن نهم اثر ساداتشمنداست (که دو نفر از آنها «جامی و کاشفی» در ردیف مشهورترین دانشمندان آن عصر خطه خراسان بشمار میروند و نفر سوم که همان مؤلف «آیه‌الایات» است بکلی گمنام و ناشناخته مانده و منحصرآ از راه همین کتاب، شناخته میشود) ارزش چاپ را دارد و بهمین جهت، آن مقدمه را بضمیمه این مقاله انتشار دادیم.

ضابطه و رموز کتاب:

در «آیه‌الایات» مانند کشف‌الایاتهای بعدی از راه کلمات، بمحل آیه پی میبریم. باین کیفیت که حرف آخر کلمه دوم از هر جمله اعم از اسم و فعل و حرف، در نظر گرفته میشود و چون حرف آخر آن کلمه، یکی از ۲۹ حرف (۲۸ حرف تهجی باضافه همزه) میتواند باشد لهذا، کتاب را به ۲۹ مقصد تقسیم نموده و هر مقصد، مشتمل بر سه مطمح است: مطمح اسماء، مطمح افعال و مطمح حروف و هر مطمح، مشتمل بر پنج جدول و بتعبیر صحیح‌تر، پنج ستون است و بدین لحاظ جمله «شهدالله» را باید در مقصدها، مطمح اسماء پیدا کرد. و بلحاظ احترام و تعظیم خداوند «مقصدها» را مقدم داشته و آن را بلفظ «الله» آغاز کرده است.

کلمه دوم جمله را «قاعده» و حرف آخر آن کلمه را «اساس» نامیده است حروف معانی، در اول آیات و جمل مانند «فاء» و «واو» باید يك کلمه محسوب شود و همچنین، کلمه دوم، اگر يك حرف باشد همان حرف، «قاعده» و «اساس» هر دو محسوب میگردد و برای یافتن آیه، باید بمقصد آن حرف رجوع شود.

میزان، در حرف آخر کلمه، آنست که در هنگام وصل، تلفظ میشود و از اینجهت، حرف آخر کلمه بحسب موارد، فرق میکند مثلاً در «فاما من اعطی»

کلمه دوم «اما» و حرف آخر آن، الفاست، ولی در «فاماالذین آمنوا» حرف آخر، هنگام وصل، «میم» است زیرا «الف» تلفظ نمیشود لهذا در جمله اول، به مقصد الف، و در جمله دوم، به مقصد میم، باید رجوع کرد. جدولی که در اینجا آمده است شامل بر ستونهای حد اول، حد ثانی، مابه‌الامتیاز، اسامی و مواقع است:

حد اول، اشاره به حرف آخر کلمه اول جمله است که در هنگام وصل، به تلفظ درآید: مثلاً در «هدی‌الله» دال، در تلفظ، حرف آخر است نه الف. و اگر کلمه اول جمله، فقط يك حرف باشد میزان، همان است: مثلاً در «افنضرب عنکم» همزه، حد اول، محسوب میشود.

حد ثانی، اشاره به حرف اول کلمه سوم است چه آن کلمه، يك حرف باشد یا بیشتر و در اینجا و بطور کلی در همه موارد، میزان، حروف و کلماتی است که هنگام وصل، تلفظ شود. در ستون مابه‌الامتیاز، مشخصات هر يك از حدود ثانیه در صورت تعدد، معین میشود. بدین نحو که اولین حرف واقع پس از حد ثانی تا آخر جمله که فارق و ممیز آن جمله از سایر جمله‌های مشابه است در این ستون، نوشته شده است و بنا براین، اگر آن ستون خالی باشد، حاکی از آنست که آن جمله، در قرآن مشابه ندارد.

در ستون اسامی، بجای نام سوره‌ها، شماره آن، قید شده که از عدد يك تا عدد ۱۱۴ به تعداد سور قرآن بیشتر نخواهد بود و برای تسهیل امر، در آغاز کتاب، شماره سور را طی جدولی آورده است. در ستون مواقع، رقم آیه مورد نظر را به اعشار معین کرده زیرا ظاهراً در قدیم، گذاردن شماره مسلسل آیات در هر سوره، مرسوم نبوده است بلکه آیات هر سوره را دهنده به اعشار تقسیم و در کنار صفحه، ابتدای هر عشر را معین

میکرده‌اند. حال، اگر سوره مشتمل بر آیه مورد نظر، از ده آیه کمتر باشد، ستون مواقع خالی خواهد بود، و اگر زیادتر از عشر باشد رقم قید شده در آن ستون، اشاره به شماره عشری است که آیه در آن واقع است. تنها در سوره بقره که متجاوز از دو جزو است علاوه بر شماره اعشار، شماره جزو و حزب هم معین شده است و بدین جهت در ستون مواقع، سه رقم ملاحظه میشود که بترتیب شماره جزو و حزب و عشر است.

مؤلف کتاب و تاریخ تألیف

مؤلف: در مقدمه کتاب، خود را احمد شیخ محمد نیشابوری که ظاهراً صحیح آن ویا مراد از آن احمد بن شیخ محمد است و در پایان کتاب، احمد المدون النیشابوری نام میبرد. ملا حسین کاشفی در مقدمه خود، او را چنین توصیف مینماید «... جناب فضائل مآب، مبدع الافانین، مخترع القوانین، حاوی اسالیب المعقول والمعلوم، المستخرج دقایق العلوم، شهاب سماء المناقب، والمخصوص بصفة فاتبعه شهاب ثاقب، واقف غوامض الکلام، قدوة فضلاء الانام فی الایام. شعر:

و اری الامور المشکلات تمزقت
ظلماتها من رانها المتوقد
شهاب ملت، برهان دین که میگردد
ریاض فضل، ز فیض فضایلش نامی
ادام الله میامن افضاله و آدر علی المستفیدین شایب فضله و کماله . . .»

عبدالرحمن جامی در تقریظ خود بر کتاب مورد بحث راجع بمؤلف میگوید: «... ضابطه چند که خدمت مولوی اعظمی ادام الله تعالی فضایله شهابا در تعیین مواضع آیات...». و در ظهر کتاب چنین نوشته‌اند: «کتاب آیه‌الایات من مصنفات مولی (کذا) المحقق والمدقق شهاب الملة والدين احمد المدون النیشابوری رحمة الله علیه و علی جمیع المسلمین».

از مجموع این نصوص، بدست می‌آید که مؤلف «آیه‌الایات» احمد بن شیخ محمد مدون نیشابوری، ساکن هرات و ظاهراً ملقب به شهاب‌الدین است که به

رسم معمول زمان باختصار، شهابا (مانند صدر و نعیم) معروف بوده است. و از حیث معلومات، ظاهراً مرد فاضل و جامع فنون و خوش قریحه‌ای در سطح متوسط ندر حد يك استاد محقق بشمار می‌آمده و از لحاظ سن و موقعیت اجتماعی، هنگام تألیف کتاب در رتبه شاگرد ملا عبدالرحمن جامی و ملاحسین کاشفی و سایر اساتید معروف عصر بوده و از این جهت، اثر خود را بنظر همه آنان رسانیده و مانند اکثر مؤلفان تازه کار، خواسته است کتاب خود را بكمك تقریظ اساتید، به بازار علم عرضه کند.

از مقدمه عربی مؤلف، حدود تحصیلات و سطح اطلاعات و میزان دانش وی در عربیت بدست می‌آید و ظاهراً این کتاب، اولین و شاید هم آخرین اثر او باشد اما اگر نوشته ظهر کتاب (من مصنفات مولی المحقق والمدقق) که گویا هنگام کتابت نسخه، بسال ۱۰۸۳ هـ ق کتابت گردیده بطور سنجیده و حساب شده تحریر یافته باشد، حاکی از آنست که مؤلف، غیر از این کتاب، تصنیفات دیگری هم داشته و در آن تاریخ، که تقریباً دو قرن از تألیف «آیه‌الایات» می‌گذشته بعنوان «محقق و مدقق» شناخته می‌شده است.

و اما از لحاظ مذهب، طبق مذهب رایج آن روز هرات، باید از اهل سنت و جماعت باشد، مگر اینکه دلیلی بر تشیع وی بدست آید و اینکه در خطبه کتاب، پس از صلوات و سلام بر پیغمبر بجای آل، می‌گوید: «و اصحابه الذین رحما، بینهم اشداء علی الکفار...» و در آخر کتاب، «و علی آله و اصحابه الذین لم یکن فی قلوبهم میل المال والجاه...» هر دو مؤید سنی بودن او است. گویا اینکه با توجه بوضع خاص هرات و خراسان، در دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا و بلکه از زمان شاهرخ بعد، قضاوت قطعی درباره مذهب بسیاری از دانشمندان آن عصر، کار مشکلی است و آثار دو پهلوی دانشمندانی امثال جامی و کاشفی و امیر علیشیر نوائی اشکال این قضاوت را تشدید نموده است. بنظر بنده، آن دوران

و آن وضع را باید حلقه فاصل بین تشیع و تسنن ایران دانست، و این خود نیاز به کنجکاوی و کاوشی دقیق در زوایای تاریخ مذهبی آن عصر، دارد.

از تاریخ تولد و وفات، مدت عمر، موقعیت اجتماعی، شغل، خاندان مؤلف و شرح حال وی ابدأ اطلاعی در دست نیست و آنچه گفته شد صرفاً به‌نصوص مندرجه در کتاب استناد دارد، و علت شهرت وی هم به مدون مجهول است. و شاید اشاره بشغل دیوانی او باشد. اما درمآخذ دیگر، اعم از آنچه راجع به هرات و حوالی آن پیوسته شده مانند کتاب «روضات الجنات فی احوال مدینه هرات» یا آثار کاشفی و فرزندش مانند «لطائف الطوائف» و یا تواریخ مفصل که بعداً تألیف گردیده مانند «روضه الصفا، حبیب السیر، تاریخ جهان آرا، عالم آرای عباسی» و همچنین در «کشف الظنون، الذریعه، معجم المؤلفین» و جز آنها ابدأ نامی از این دانشمند، نبرده‌اند. و این خود دلیل است که وی از دانشمندان معروف قابل ذکر هرات یا سایر بلاد خراسان نبوده و گرنه حتماً لااقل در «روضات الجنات» که همه دانشمندان و نام‌داران هرات در آن، استقصاء گردیده ذکر وی از او بمیان می‌آمد. در لغتنامه دهخدا و برخی دیگر از کتب، چندتن بنام شهاب‌الدین احمد آمده اما هیچکدام بر وی قابل انطباق نمی‌باشد.

تاریخ تألیف کتاب، بنا بتصریح کاشفی در مقدمه، سنه ۸۸۵ (توفیق کار ساز) و بنا بقول مؤلف در آخر کتاب، اوائل ماه رمضان سنه ۸۹۱ در دارالسلطنه هرات میباشد. ظاهراً مؤلف، قبل از پاک‌نویس، کتاب خود را در سال ۸۸۵ بنظر کاشفی رسانیده و همان سال وی آن مقدمه را بر کتاب، نوشته‌است بعداً مؤلف، همان نسخه یا نسخه دیگر را بطور کامل در سال ۸۹۱ تحریر کرده و نسخه موجود بواسطه یا بلاواسطه از روی نسخه اخیر دست نویس گردیده‌است و چون مقدمه کاشفی، تقریظ عبدالرحمن جامی را دربر دارد پس تقریظ وی هم یا در همین سال ۸۸۵ و یا پیش از آن صدور یافته‌است.

مشخصات نسخه آیه‌الایات .

نسخه عکسی موجود ترد اینجانب، دارای ۳۶۲ برگ است که در حدود ۱۳ برگ آن مقدمه کتاب و یک صفحه فهرست سور قرآن، و دو نولت از صفحه آخر، خاتمه کتاب و مابقی، جداول متن کتاب است که نمونه آن در کلیشه ۳ دیده می‌شود .

اصل نسخه، ظاهراً بقطع وزیری است اما در عکس، اندکی کوچکتر از آن است. مقدمه و خاتمه، کلاحتی آیات قرآن و عبارات عربی و اشعار، با خط نستعلیق زیبا و بسیار ظریف کتابت گردیده و تنها آیات، با خط افقی مشخص شده است اصل نوشته، خالی از اغلاطی از قبیل (المقصد الهاء!) نیست و اشعار، و همچنین متن و شرح، همه در یک ردیف میان سطور قرار گرفته و ما آنها را سر سطر، قرار دادیم. در ظهر کتاب با همان خط، اسامی فرزندان حضرت یعقوب به نقل از «روضه الصفا» نوشته شده، و در گوشه صفحه با خط ناپخته‌ای نوشته‌اند «شرح آیه‌الایه (کذا) از مولانا حسین». و در ورقه سفید پشت کتاب، با خط نسخ پخته‌ای چنین نوشته شده است «کتاب آیه‌الایات من مصنفات مولی (کذا) المحقق والمدقق شهاب‌المله والدين احمد المدون النیشابوری رحمة الله علیه و علی جمیع المسلمین» و گویا این نوشته از کاتب کتاب باشد زیرا نمونه آن خط، در اثنا کتاب موجود است. و در زیر آن، کاتب کتاب، بخط نستعلیق نوشته است عدد اوراق این نسخه شریفه سیصد و پنجاه و شش است. عرض دیده شد، بنا بتصریح مؤلف در مقدمه، برخی از رموز، با جوهر سرخ نوشته شده اما در نسخه عکسی، این خصوصیت منعکس نگردیده است .

در خاتمه کتاب، بطوریکه در کلیشه ۲ دیده میشود کاتب، بعربی تاریخ فراغ را روز شنبه ۱۲ شعبان سال ۱۰۸۳ هـ ق در دارالکتب علیه عالی‌دخا قانیه واقع در بخارا به امر پادشاه آن ناحیه ابوالمظفر سید عبدالعزیز بهادرخان ضبط کرده

پیاپی آنی که کلمه شناسان معانی قرآن و پیام صحیف معانی - ایه بیان نمایی و محلی سازند و همچنین
 صورتی که معانی قرآن در وقت قافیه عنوان بر این معنی است - ایه است نظری زبان موع و کلمه
 و طایفه مدعی اند بود معنی کلمه که - ایه آیات ظهور کلام بجز فاش می رود - الایم در حوض
 تا کنون زلف اندک و اذکار طون مرفی و منصوب است و سو - سو - ای - کلمات با مرآت کتاب
 قیاس علی کرده و الشوری و الاوامر بر همین لید بر آیه و لیسند که الا لایب مرقوم و کتب است
 شعبه بود آندی نزل القرآن شریفه علی معانی بسیار - و این نظم ناقل آیات حمدش در ضایل
 مادیات شکرش در معانی بی شکر - که جهت مادی و حقیقت الیوم ظهور - در کلمات کتاب از
 در پی - و عبادت صمدیت صافیة بهانه بعد و سو - و آیات کتاب عزیز صمد و سخن بیست
 صفات شایسته و کلمات شریف مبدع - و صفا که پس آید مشید شد معانی ایه و می
 مرونی طوطی بستان سرای و با طوطی عن الموی غنای پستان سرای این موالا و می بومی بیرون ضای
 ق و القرآن المجد شایسته پر و از سوای که کز باقران من بجا و عید من ضمه نطق کلمات
 جمله دم التوریه و الا نخل شریف احمد مرسل که **فوشتم** - مبدع بودی و هم - در سن شکر
 بجز آلب - تیر زده شده و زاده کتاب - غزوه و معنی کشف نور او - جل میں نسخت مشهور
 مایه و فرزند کلام - کرده نسیب - سات نام - و بر آل زکوار و صحابه انصار آن حضرت که

صفحه اول شرح مقدمه آیه الايات فرقانی بقلم ملاحسین ناشفی واعظ سبزواری

کلیشه ۱

الذي	هـ	س	س	١٣	١٣
		ص	ص	١٤	١٤
		م	م	١٥	١٥
	ق	ق	ق	١٥	١٥
ل	ل	ك	ك	١٥	١٥
		ج	ج	١٥	١٥

س	ع	ب	ب	١٦	١٦
		م	م	١٦	١٦
	ل	ل	ل	١٦	١٦
	ي	ي	ي	١٦	١٦
قال	ب	يا	يا	١٦	١٦
تم	المفاد	بعون	والله	١٦	١٦

وأنزلنا وحدها ونسيت بنها أن الحمد لله الذي هدانا لهذا وهذا كنا لنكونن له من قبله لاجرم
 وعلينا الله وصحابه الذين لم يكرهوا في قلبهم يسئل المال وجب الجاهل أن يحسن المال وأعدا لغيره لئلا
 فإني نشير إلى أن هذا جسد الله تعالى مكتوباً بقوله تعالى لا اله الا الله الذي لا يبدى عن
 عاونه في قصص من تفتح آيات آيات ذلك الكتاب في يوم شرمه من أسرار الله تعالى
 بهار بسطة من آيات جوده وسبحانه من البدايات والآيات والقصص الخيرة التي لا يبدى عن
 انشاوري صلح الله تعالى جاده وادوات جنات النعيم وتحقق بلطف آياته وقاسم عذاب اليم العلم

وهذا كتابك أنت الغرور المسمى بالآيات في كتاب
 الحمد لله الذي هدانا لهذا وهذا كنا لنكونن له من قبله لاجرم
 من شريعتك سنة ثلث وقاين بعد ألف من الهجرة النبوية المصطفوية في دار الكتب العلمية العالمية التي
 دار الفخره نجراننا الله تعالى كحسن واليهابا من خاقان المعظم المكيوم ثلث العرش العزم مرابي اللباب
 والمطهرين خاقان بن الخاقان ابو المطهر سيد عبد العزيز حبسا ورخان المطال الذي اذنته
 جهالة والى الله انصرح باطلاق بيان آية من آيات يوم ودقه كتاب الجرف انصير الى الذي مر
 انطلاوة اليد لله زكري العزاقى منقى الله عنهما رحمتك يا رحيم الرحمن تم م م م

و خود را چنین نام میبرد: «کاتب الحروف الفقیر الی الله العنی میر محمد بن علاءالدین^۴ الدرّی کزینی^۵ العراقی عفی عنهما برحمتک یا ارحم الراحمین» و بشهادت جمله «عرض دیده شد» در ظهر کتاب، وهم بقرینه کتابت این کتاب در کتابخانه نامبرده میتوان حدس زد که کاتب، کتابدار کتابخانه دربار امیر بخارا بوده است. از خصوصیات این کتابخانه اطلاعی نداریم لیکن ظاهراً آن کتابخانه، مانند سایر کتابخانه‌های گرانبهای آن نواحی، پس از دست یافتن روسیه بر آن بلاد، به کتابخانه بزرگ تاشکند یا لنینگراد منتقل گردیده و اینک این نسخه در کتابخانه لنینگراد بشماره B 357 موجود است و چه بسا کتابهای دیگری بخط همین کاتب در آن کتابخانه وجود داشته باشد.

عبدالعزیز نامبرده، پنجمین امیر از امرای سلسله «جانیه» یا «هشترخانیه» است. این سلسله، که جمعاً ده فقره بوده اند از ۱۰۰۷ تا ۱۲۰۰ هـ ق بر ترکستان و ماوراءالنهر حکمرانی نموده و بالاخره بدست امرای «منگیت» در سال ۱۲۰۰ منقرض شده‌اند. جد اعلاّی ایشان یارمحمد و پسرش جانمحمد است که از رؤسای «هشترخان» بوده‌اند و پس از تسلط روسها بر هشترخان به اسکندر شیبانی چنگیزی امیر بخارا پناه برده‌اند و پس از دو اوج جانمحمد با دختر اسکندر فرزندش باقی‌محمد بجای‌خال خود عبدالله شیبانی بامارت رسید و از آن‌پس اخلاف وی بر آن نواحی بجای سلسله شیبانی (۹۰۶ - ۱۰۰۷) فرمان روائی نمودند و چون از طرف مادر بچنگیزخان میرسند لهذا خود را مانند سایر امراء و سلاطین خراسان و هند، چنگیزی میدانستند. و همواره با ایران و هند، روابط صلح و جنگ داشته‌اند.

عبدالعزیز (۱۰۵۵ - ۱۰۹۱) بزرگترین فرد این سلسله بوده و علاوه بر منصب امارت و سلطنت سمت افتاء و روحانیت هم داشته‌است و دوران درخشان

۴ - در نسخه (علاءوالدین) نوشته شده است .

۵ - نوشته کاتب، (الدره کزینی) هم خوانده میشود .

«جانیه» به‌وی ختم میشود زیرا پس از وی در نتیجه اختلاف بین افراد این خاندان، قدرت ایشان رو به ضعف نهاد و جز نامی از امیر بخارا بجای نماند، آنهم بالاخره از بین رفت. عبدالعزیز، معاصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۵) است و در پایان عمر، سلطنت را به برادر خود سبحان‌قلی خان واگذار کرده از راه ایران رهسپار مکه معظمه گردید و شاه سلیمان با تجلیل فراوان در کاخ چهل ستون اصفهان از او پذیرائی کرد و در حضورش جشن نوروزی برگزار نمود. داستان این امیر، مانند چندتن دیگر از امراء این سلسله بسیار حیرت انگیز است که تا قدرت داشتند با خویشان خود بر سر امارت می‌جنگیدند و جنایاتی مرتکب میشدند و در پایان، سلطنت را بر قیب خود واگذار نموده عازم بیت‌الله الحرام و اقامت در مدینه شده همانجا مدفون میگرددند.

نکته جالب توجه، نسبت سیادت است باین امیر از یکی در نوشته کاتب آیه‌الایات (کلیشه ۳) و پس از فحص بسیار، معلوم شد علت این انتساب آنست که جد وی دین محمد در رکاب عبدالمنعم از بک هنگام هجوم او بخراسان و غارت شهر مشهد، حضور داشته و در آن شهر، سید ابوطالب بزرگ سادات رضوی مشهد از وی بگرمی پذیرائی نموده و دختر خود زهرا بیگم را بگوی میدهد و از او میخواهد که عبدالمنعم را از قتل عام اهل مشهد منصرف سازد. از این دختر دو پسر بنامهای امامقلی و نادر (یا نظر) محمد متولد میشود که بترتیب پس از اعمام خود، بامارت میرسند و عبدالعزیز فرزند نادر محمد است و بلاحاظ این مصاهره فرزندان دین محمد خود را سید می‌شمرده‌اند.

بنظر بنده اصرار ایشان به انتساب بحضرت رضا و خاندان اهل بیت اطهار علیهم السلام یک نوع رقابت با سلاطین صفویه بوده است و اینکه کاتب نسخه عبدالعزیز را بمانند سلاطین صفویه «خاقان المعظم المکرم ماجا، العرب والعجم مرئی الاسلام والمسلمین خاقان بن خاقان بن الخاقان، ابوالمظفر سید عبدالعزیز بهادر خان...»

منا مطبوع الاسماء

٦	٦	الله	٦	٦
٦	٢٧		خ	
١	٥٩	الف ٦١	ع	نقاه
١	٥٩	٥		
٥	٤	٣		
٢	٣٦		ل	نقاه
٣	١	٢	م	نقاه
٧	٣٦		ش	نقاه
٩	٣٧	ك	د	
١١	٧	ل		
٣	٦	٦	و	
١٧		٥		
٣	١١	ف	ل	
٥	١٠	س		
٥	٦		ب	نقاه
٥	٣٦		ل	نقاه
١	٥٩	ع	ع	نقاه
٣	٢	ك	ل	نقاه
٣	٥	ع	ل	نقاه
٣	٥٨	٦		
٦	٩	ن		
٨	٣٨		خ	نقاه
٢	٣		ع	نقاه
٢	٢		ب	نقاه
٢	٩	ع	ع	نقاه
٢	٥٨	م		
٩	٩		د	نقاه

٣	٣		ع	نقاه
٣	٣		د	
٣	٣٩	ع	م	نقاه
٨	٥	ع		
٣	١٥	ط		
١	٦٦	ل		
٢	٣	٦٢	ل	نقاه
٢	٣	ح		
١	٣٧	٥٣		
٣	٩	ن	ع	نقاه
١	٥	٥		
٤	٩		و	نقاه
١	٩		ر	نقاه
١	٣٢	ط	ط	
١	٣٨	ن		
١	٥	ز	ل	نقاه
٣	٣٦	ط		
٣	٣١	ع		
١	٣٥			
٢	٥٧			
٢	٩	س		
٣	٣		م	
٥	٣		ع	
١	٩	٥	ع	نقاه
٩	٣	د		
٥	٣	ل		
٣	٣		ل	نقاه
٢	٥		م	نقاه
٣	٣٥		٥	
٣	٣			

نمونه جداول کتاب آیه الایات فرقانی

کلیشه ١٢ این کلیشه، صفحه اول متن کتاب است که بکلمه «الله» شروع شده است

ملقب ساخته خود مؤید این نظریات از قضای اتفاق قطب‌الدین امیراطور مغولی
 هند، نیز در آن اوان بنظیر همین القاب از جمله «سید» نامبرده می‌شده است
 و اینک متن مقدمه آیه‌الایات را که بقلم ملاحسین کاشفی واعظ و حاوی
 تقریظ عبدالرحمن جامی و مقدمه مؤلف است پس از تصحیح، بنظر خوانندگان
 میرسانیم .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۶- راجع بشرح حال این سلسله و عبدالعزیز مذکور، بماخذ ذیل رجوع شود: تاریخ
 بخاری، تألیف آرمینیوس نامبری، تفسیر دکتور احمد محمود الساداتی، ط وزارت الثقافة
 والارشاد القومی مصر از صفحه ۲۶۱ ببعد. طبقات سلاطین اسلام، تألیف استنلی لیبول
 ترجمه عباس اقبال از ص ۲۴۵ ببعد. روضة الصفا. ط ۱۳۲۹ ج ۸ ص ۴۸۹. دائرة المعارف
 اسلامی ج ۳ ص ۴۱۴ و ۴۱۵. دائرة المعارف صاحب لغت «جالیه» .